

*نتیجه کشف حجاب؛ "اسارت" جایگزین "آزادی"

های آن را باید در میان رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، کشف حجاب به عنوان یک جریان اجتماعی، موضوعی است که ریشه فراتر از مرزهای جغرافیایی جستجو کرد. در حقیقت، کشف حجاب ارمغانی است از دنیای غرب به دنیای شرق که نه تنها آزادی را برای زنان به ارمغان نیاورد بلکه زنان را از فعالیت‌های اجتماعی و حضور در جامعه هم محروم کرد. از این رو می‌توان گفت، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از اعمال سیاست کشف حجاب عاید جامعه و به ویژه زنان شد، "اسارت" بود.

*منع فعالیت‌های اجتماعی زنان با حجاب

با اعمال سیاست کشف حجاب، زنانی که پایبند به حفظ حجاب بودند از رفتن به بازار و مراکز بهداشتی، اداری و درمانی، مراکز آموزشی و تفریحی منع شدند و حتیا اجازه استفاده از وسایل نقلیه اماکن مقدسه و زیارتگاه‌ها را هم نداشتند. با دستور رضاخان، طی بخشنامه‌ای برای حضور زنان در مجالس روضه، مساجد و اماکن زیارتی حتی استفاده از روسری هم ممنوع شد. بعد از مدتی اعمال محدودیت‌ها به تدریج جای خود را به اقدامات انتظامی داد. از این پس دستگاه پهلوی تلاش کرد تا با زور، ارباب و ترساندن زنان آنان را وادار به کشف حجاب کند. در چنین شرایطی، زن‌ها هرگز نتوانستند آزادانه در مناسبت‌های اجتماعی فعالیت کنند.

سر لشگر محمد نخجوان کفیل وزارت جنگ در نامه‌ای محرمانه به کفالت ستاد ارتش اعلام می‌دارد: «از ورود خانم‌های باحجاب به اماکن تفریحی از قبیل سینماها و تئاترها و کافه‌ها و رستوران و غیره جلوگیری شود و افسران از این امر مراقبت نمایند. برای سرکشی بر افسران هم دژبان تعیین گردد.» [۱]

با این حال، رضاخان ادعا می‌کرد که هدف از کشف حجاب، وارد کردن زنان به عرصه اجتماعی و سیاسی جامعه است؛ این درحالی بود که سال‌ها پیش از دوران رضاخانی، زنان در امور عمومی و مسائل اجتماعی نقش داشته و فعالیت می‌کردند ولی با اعمال کشف حجاب، زنان مسلمان ایران از حضور در اجتماع جا ماندند. به عنوان مثال در ماجرای تحریم تنباکو در سال ۱۲۷۱، زنان نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند و این مشارکت در امور سیاسی در سراسر دوران انقلاب مشروطه ادامه یافت و زنان در اغلب

تظاهرات ضد استعماری و ضد استکباری، با رعایت کامل حجاب حضور داشتند.

مورگان شوستر، مستشار آمریکایی که در آن دوران در ایران حضور داشت در این رابطه می‌گوید: «من این فرصت را به دست آورده بودم که جلوه‌های فراوانی از عزم و نفوذ زنان مسلمان را به چشم بینم. در تمام طول پنج سال بعد از انقلاب مشروطه [آتش هیجان و گاه غضب در چشمان "زنان محجب ایرانی" زبانه کشیده بود و آنها در مبارزه برای آزادی پیشگام بودند.» [۲]

*منع تحصیل برای دختران محجبه

در بهار سال ۱۳۱۴ وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای مقرر کرد که دختران با حجاب حق دریافت جایزه یا دیپلم خود را ندارند و فرمانی صادر کرد که به هیچ آموزگار زنی که از چادر استفاده می‌کند حقوق و مزایا پرداخت نشود و در نهایت با [آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۵ استفاده از حجاب و چادر برای دانش‌آموزان و معلمان به کلی ممنوع شد.] [۳]

در چنین شرایطی، دختران به جای حضور در مدارس، در پستوی خانه زندانی شدند. به گفته حاج احمد قدیریان: «دختران خانواده مجبور شدند برای حفظ حجاب خود ترک تحصیل کنند و از علم که موهبت الهی است، صرف نظر نمایند. این مشکل «همه خانواده‌های متدین بود»

*تصمیم زنان در مواجهه با قانون کشف حجاب

کشف حجاب نه تنها شرایط را برای فعالیت بیشتر زنان در اجتماع فراهم نکرد بلکه آنان را بیش از پیش از حضور در اجتماع محروم ساخت و درحالی که وعده آزادی زنان با بوق و کرنای فراوان تبلیغ می‌شد، بسیاری از زنان در برابر خشونت‌ها و محدودیت‌های ناشی از اعمال سیاست کشف حجاب اجباری، تصمیم به خروج از کشور گرفتند.

به روایت اسناد موجود، بسیاری از زنان خرمشهر که حاضر به کنار گذاشتن حجاب نبودند، مخفیانه از مرز گذشته و به عراق گریختند. [۴] گزارش‌های دیگری نیز از مهاجرت برخی از عشایر به عراق حکایت می‌کند. در گزارشی از دشت میشان به تاریخ ۲۷/۱/۱۳۱۵ با اشاره به مهاجرت عده‌ای از افراد خاطر نشان شده است: «مهاجرت فقط این عده نبود، از طوایف دیگر هم [مهاجرت نموده‌اند، علت آن هم ظاهراً از ترس کشف حجاب بوده.» [۵]

* حبس زنان در خانه، نتیجه سیاست کشف حجاب رضاخانی

ارمغان کشف حجاب رضاخانی برای زنان ایرانی چیزی جز اسارت و زندان نبود. به طوری که به روایت اسناد و خاطرات، بعد از اعمال قانون کشف حجاب، زنان در خانه حبس شدند. ایالت خراسان در بخشنامه شماره ۱۲۳۴۷۳، به تاریخ ۱۴/۱۱/۱۳۱۶، دو سال بعد از اعمال قانون کشف حجاب به اسارت زنان در خانه اشاره کرده و گزارش می‌دهد که «نسوان از خانه «خارج نمی‌شوند

حجت‌الاسلام سید سجاد حججی در خاطرات خود از زندانی شدن زنان در دوران کشف حجاب می‌گوید و آیت‌الله علی آل اسحاق روایت اسارت زنان در دوران رضاخان را اینگونه شرح می‌دهد: «مادرم گریه می‌کرد و می‌گفت: پدرم، مادرم و برادرم مردند و من نتوانستم حتی در تشییع جنازه آنها شرکت کنم. اگر یک قدم از در خانه بیرون می‌گذاشتند، پاسبان‌ها حجاب‌شان را [برمی‌داشتند و از آنجایی که حاضر نبودند بی‌حجاب بیرون بروند، میلیون‌ها زن در آن ایام در خانه‌هایشان زندانی بودند.» [۶]

آیت‌الله محمد یزدی هم درباره آنچه سیاست کشف حجاب برای زنان به ارمغان آورد می‌گوید: «بنده به خاطر دارم که با شروع «برخورد رضاخان با قضیه حجاب اسلامی، زنان محجبه و متدین ما ترجیح دادند در خانه بنشینند و از خانه خارج نشوند

واقعیت آن است که کشف حجاب با استفاده از ابزارهای دیکتاتوری دقیقاً به معنای "تجاوز به خصوصی‌ترین حریم زندگی مردم" بود و این امر تحت لوای هیچ قانونی انجام نگرفت؛ لذا هیچ نشانه‌ای از دموکراسی و آزادی در آن دیده نمی‌شد و در پس کشف حجاب، "آزادی" به طور کامل جای خود را به "اسارت" زنان داد

:پی نوشت‌ها

1- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، سند شماره ۵۵، ص ۴۱-۱

2- مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر ماهی، ص ۱۵۸-۲

3- استفانی کرونین، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر جامی، ص ۲۹۶-۳

4- اسناد محرمانه کشف حجاب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ص ۲۰۱-۴

5- کشف حجاب و تغییر لباس به روایت اسناد، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۲۰۲-۵

6- خاطرات آیت‌الله علی آل اسحاق، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۶-